



## کدامین جبهه ؟

یکی بود یکی نبود غیر خدا هیچ کی نبود  
 یه روزی از روزا ، پشت اون کوه ها ، تو اون دشت ها ، وسط اون بیابونا ، تو اون نیزارا یه اتفاقی افتاد تحت عنوان جنگ تحمیلی  
 یه امامی بود یه رهبری بود گفت : یه دزدی اومده و یه سنگی انداخته هر کی می تونه هر کاری بکنه و هر کی می تونه جلوی این دزد واپسه  
 جمعی از جوانان جمعی از اونایی که پای دین خدا بودن با معرفتا ، لوطیا و مشتیا پا شدن رفتن جبهه از این جا بود که جبهه ما شد دانشگاه و ما وارد  
 اون دانشگاه شدیم ، دانشگاهی که امام میگه : «جبهه دانشگاه انسان سازی است» .

ما برای این که می خواستیم بریم اون دانشگاه یه زحماتی کشیدیم همون جوری که شما خواستین بیاین دانشگاه یه زحماتی کشیدین  
 وقتی ما داریم خاطره تعریف می کنیم برای بچه ها ، بچه ها تصور می کنن اون جبهه برای آدم های گنده ، برای آدم های عجیب و غریب بود ، اصلا  
 اینجور نبود رفقا .

اون جبهه که ما رفتیم و دانشگاه شد اون جبهه ای بود که از بچه های دبیرستانی با شناسنامه های دستکاری کرده بود تا پیرمرد هشتاد نود ساله  
 خواستیم بگم بچه ها ما برای رفتن به اون جبهه همه کاری کردیم شناسناممونو دستکاری کردیم گفتیم تزریقات و امدادگری یاد می گیریم ، به هر  
 حال یه جوری ما بریم جبهه .

ما رفتیم جبهه شد دانشگاه ، شما اومدید دانشگاه شد جبهه شما شدید افسر جوان جنگ نرم ، می خوایی بخواه می خوایی نخواه  
 ما رفتیم جبهه فکر نمی کردیم زیر اون آتش قرار بگیریم فکر نمی کردیم شب کربلای ۵ رو ببینیم با اون آتش ، فکر نمی کردیم بگن غواص ها  
 لباس بپوشین می خوایم از ارونند خروشان رد بشیم .

الان شما شدی افسر جوان جنگ نرم ، جنگ تن به تن شروع شده جنگ اینستاگرامی و ایمیلی و گوگل پلاسی شروع شده جنگ تن به  
 تن برای همتون پروفایل باز کرده گوگل .

تو ساکتو بستی اومدی دانشگاه ما هم ساکمون رو بستیم و رفتیم جبهه .  
 بچه ها رسیدیم در قطار که سوار بشیم ابراهیم جنابان فرمانده گردان ما شیشه رو داده بود پایین می گفت دیدار به قیامت دیدار به قیامت ، بچه ها  
 رسیدیم مهران تیر خورد شهید شد

کی وایساده پای قول های قبل از کنکورش ؟  
 کی به شیطان گفته دیدار به قیامت من دارم میرم دانشگاه ، من قول هایی به امام زمان و خدا دادم که اگر رتبم و نمرم خوب شه و کارم  
 کار بشه و چقم قاق بشه هواتو دارم .

بچه ها رسیدیم تو قطار که ۷۰۰ نفر سوار کرد ، ۶۰۰ نفر جا داشت ، پیدا بود کیا نور بالا میزنن اونا که دنبال صندلی نبودن از اول اونایی که قرار بود  
 یه قدمی واسه اسلام بردارن معلوم بود ، تا صبح تو قطار راه می رفتن که بچه های دیگه برن تو کوبه بخوابن  
 اگه اون بچه ها دنبال صندلی نمی گشتن و وایسادن جا رو بدن به رفیقشون الان ما دنبال این هستیم که اگه رفتیم به طرف جامون خوب بود پرفسور  
 شدیم و دانشمند شدیم و به درد این مردم خوردیم اون جا نمونیم کنگر نخوریم لنگر نندازیم . آیا تو هم نوربالا می زنی ؟ الان داری اینارگری رو تمرین  
 می کنی که به دنبال عزت دنیا و آخرت باشی نه فقط مال دنیا ؟

بچه ها اینارگر تو جمع ما کیه ؟ هوای همدیگه رو تو درس داشته باشیم کیه ؟  
 بچه ها از قطار پیاده شدیم همه لباس خاکی پوشیدیم همه یک دست شدن ، بچه ها یه چیزی بگم عند تیپولوژی شهیدان ، برو هر  
 تیپی می خوایی بزنی بزنی ، تیپ وقتی تیپه که خوشگل خوشگلا یوسف زهرا س نگاهت کنه ، شهیدا تیپ لباس تقوا زدن و یوسف زهرا (س)  
 نگاهشون کرد .

تو دانشگاه می خوایی چجوری تیپ بزنی اصلا برای کی تیپ می زنی ؟ می دونید اون اگه نظر نکنه کار تو اثر نمی کنه ؟  
 امروز که تو رو برند دار کردن کدوم دعا اثر کرد ؟ کدوم قول قبل از کنکور اثر کرد ؟  
 بچه ها اونا تو جبهه تیپ زدن برین تو دانشگاه تیپ بزنین ، مبنای دنیا تیپ زنده .  
 بعد وقتی اونجا تیپ ها خاکی و خدایی و یک دست شد هر کی رفیق فابریک خودشو پیدا کرد .  
 از چند روز دیگه تو رفیق هم خوابگاهی و هم دانشگاهی پیدا می کنی .

میدونی رفیق بازی های اون جا چجوری بود ؟ می رفتن یه جایی با هم نماز می خوندن با همدیگه زیارت عاشورا می خوندن صیغه برادری می خوندن  
 بچه ها جبهه ، دوستی ها و رفاقت هاش صادقانه بود ، داری یه دوست صادق تو دانشگاه؟ اصلا دنبال یک دوست صادق می گردی ؟  
 یکی که وسط میدون مین گناه دستتو بگیره ؟ داری یه رفیقی که روزی که درستون تموم شد و دارین می رید وقتی تو چشم هم نگاه می  
 کنین احساس سرور بکنین ؟ احساس بکنین دوتایی با هم پرواز کردین ؟

اگه اون جا یه دوست صادق داشتیم تو پیداش می کنی؟ احمدی روشن و چمران رو پیدا می کنی ؟ همسفر و همراه شهریاری و بابایی  
 می شی ؟

شما با پذیرش درکنکور وارد یک جاده  
 ای شده اید ، چنان چه از حرکت باز  
 بمانید ، همین اول جاده مانده اید  
 ومثل این است که وارد نشده باشید ،  
 این جاده را باسرعت هرچه بیشتر طی  
 کنید ، پیش بروید وخسته نشوید تا  
 ان شاءالله به آن جایی برسید که  
 شایسته شماهاست .  
 « مقام معظم رهبری »

## سر مقاله

سلام به همه شما عزیزانی که بعداز ماه ها تلاش  
 تونستید آیندتون رو رقم بزنید وشاید اولین ومهم  
 ترین تصمیمی بود که باید برای زندگیتون می  
 گرفتین .

الان شما وارد عرصه جدید زندگیتون شدید به  
 نام دانشگاه ودانشجویی ، بعضی هاتون به اون  
 چیزی که می خواستید رسیدید ولی بعضی هاتون  
 نه ، اصلا مهم نیست رشته چی باشه مهم اینکه  
 تو به هر عرصه ای که وارد بشی بتونی بهترین  
 وموثرترین فرد باشی .

واین رو بدون اگه تو این رشته ای که هستی  
 نتونستی موفق باشی وقدمی برداری مطمئن باش  
 تو رشته های دیگه هم همین طور بودی وسی  
 کن که تو به رشته وشغل آیندت ارزش بدی  
 نه رشته وشغلت به تو .

فضای دانشگاه یه فضایی هستش که کاملا به  
 انتخاب خودت ودوستانی که تواین مسیر انتخاب  
 می کنی بستگی داره می تونی طی سال های  
 تحصیلت اینقدر ارزش خوب استفاده کنی که بعداز  
 فارغ التحصیلی کوله باری از علم وتجربیات باشی  
 ویا می تونی کاملا به بطالت بگذرونیش .

و این رو بدون دانشجو بودن خیلی متفاوته  
 با دانش آموز بودن ولی خیلیا مرز این تفاوت  
 رواشتباه تشخیص میدن ، وظیفه اصلی تو  
 به عنوان یک دانشجو درس خوندن ولی  
 دانشجویی موفقه که نسبت به مسائل جامعه  
 اش بی تفاوت نباشه چون چندسال دیگه  
 قراره تو مسئول این جامعه باشی ، پس  
 حواست باشه چه جوری راحت رو انتخاب می  
 کنی .

ودرپایان بسنده می کنم به کلام مولایمان  
 امام صادق علیه السلام :  
 « دوست ندارم جوانی از شما راجز بر دو گونه  
 ببینم دانشمند یا دانشجو » .

سارا زارعی

نرم ۵ بهداشت حرفه ای

ط ز ا ن ه

به قول دکتر شریعتی: « آدم یه بودن است و انسان یک شدن » سعی خودتو بکن که یک انسان بشی حالا درکنارش دکتر، پرستار، مهندس کارمندیا هر چی که شدی با انسانیت همراه باشه وبعد از چند سال که درست تموم شدیه فرقی با دوران ترمکیت کرده باشی ).

نون . هانون

امتحان کنکور دام وه اجبارو بدبختی  
اسمم درات له دانشگاهی علوم پزشکی



چیم ورو دانشگاه چیم و آرام آرام  
مدار کیلم بر دم ارای ثبت نام



بیوہ ملہ مو یہ گونی کتاو  
ہزاران جزوہ سوال وجواو



وتن هفتهء آینده برنامه دیمن  
له ناو تلگرام اراد کلی کیمن



برنامه دانه پیم وه راسو درو  
چیم ورو دانشگاه کلاسم بیو شروع



استاد هم هات وسلامو احوال پرسي  
وتم کاش پیده ییم ۶نمره کلاسی



خوشم تیدن که بیده پیم نمره عالی  
علاجم هه یسه خوت بکی پاسی



سوءالیل تستی امتحان نهایی  
استاد ته بو کمکم بکه خدایی



کاش وہ قلبی چند واحد پاس بکم  
کمی غرور لہ ناو دانشگاه کسب یکم

اشکان مهدوی مقدم  
ترم ۴ بهداشت عمومی

## نامه ای به یک ترمک در راه کومز



ترمک چيست؟

دُرْمان پادشاهان قدیم هر کس به سبب شجاعت یا کاردانی خود لقبی می گرفت و می شد فلان الدوله، اما در این زمانه لقب ها یک مقدار فرق کرده و کوتاه تر شده مثلا اسم مجرمان را در روزنامه به این شکل می نویسند ژ - م به همین سادگی

دردانشگاه هم در ادامه همین  
 قفسه لقب های کوتاه شده و یک سری  
 اصطلاحات ساخته شده مثل **ترمک** که  
 کوتاه شده عبارت : ( دانشجویان  
 جدیدالورد نا آشنا با محیط دانشگاه  
 واساتید هستند ) .

ترمک ها موجوداتی هستند  
بسیار خوش بو و خوش لباس که  
از کنارشان که رد می شوی بوی عید را  
احساس می کنی (ازبس که همه چیز نو  
نوار و تازس!!!!!! حالا همینا از ترم ۵ به بعد  
با دمیای انگشتی میان )

این موجودات معمولاً از امهر سر  
و کله شان در دانشگاه پیدا می شود  
و بوی برو برگرد سر تمام کلاس ها حاضر  
می شوند

آن‌ها کوله و کیف‌هایی دارند که داخلش چند خودکار آبی و رنگی و حتی لاک غلط غیر وجود دارد ( به جان اجدادم خودم دیدم که یک ترمک مذکر سرکلاس یک درس عمومی جزوه می‌نوشت اونم با ۳ رنگ خودکار )

آن ها معمولا هفته اول دانشگاه را با والدین خود می آیند و به لقمه ای چیزی هم در کیفشان یا جیبشان هست تا به وقت از فرط خستگی فشارشان نیفتد ( انگار، قراره کوه بکنن )

به واقع ثابت شده است اگر  
ترمکی بعد از اولین جلسه پراتیک

یا آزمایشگاه روپوش سفید نپوشد و  
عکس نگبرد وباهمان عکس پروفایل  
نگذارد حق ترمکی را به خوبی ادا  
نکرده است واز قافله فرهیختگان جا  
مانده است .

ترمک ها عموماً در همان زمان  
ترمکی هم عاشق می شوند و هم شکست  
عشقی می خورند (البته اینکه ازاول  
۵۰ درصدشون به قصد ازدواج اومدن  
دانشگاه تو این قضیه بی تقصیر نیست )  
حالا می خواهم چند نکته رابه  
این عزیزان یادآور شوم شاید کمی  
از بار ترمکیشان بکاهد و کمتر سوژه خاص  
و عام شوند :

۱- ترمک های عزیز معمولاً از روز اول دانشگاه تا حدود ۲ ماه به صورت گروهی در دانشگاه تردد می کنند به این صورت که اگر دیدید ۱۰ یا ۱۵ نفر دانشجوی باهم در راهرو قدم زده و مثل مرغ پرکنده به دیوار نگاه می کنند تعجب نکنید اینها ترمکن دارن دنبال کلاسشون می گردن ( بنده دراین جا یک توصیه برای عزیزان دارم که حداقل به دسته هایی ۲ تا ۳ تایی تقسیم شده وبا کمی فاصله ازهم راه بروید . )

۲- دوستان ترمک از آن جایی که هنوز در حال وهوای مدرسه به سر می برند فکر می کنند وقتی دیروز روی یک صندلی نشستند امروز هم باید روی همان بنشینند و یاکیفشان را روی چهار صندلی دورشان بگذارند و برای دوستانشان جای بگیرند

(ببین ترمک جان اگه اومدی سر  
کلاس ویدی یکی دیگه روصندلی که تو  
ساعت قبل نشستی نشسته عصبانی نشو  
و بدون که این صندلی ها نه ارث بابای تو  
هستش نه صندلی وزارت که بشینی و دیگه

## باید ها و نباید های دانشجویی



بندین ، از طرفی اگر با کسی دوست شدین که بعداً متوجه نامناسب بودنش شدین بلافاصله و بدون تعارف دوستی تون رو تموم کنین .

**مورد چهارم تعیین مسیر:** در دوران دانشجویی شما اتفاقات متفاوتی پیرامون شما رقم می خوره که هر کدام می تونه نقطه عطفی برای تعیین مسیر زندگی شما تا پایان عمر شما باشه ، این دوران بهترین فرصت برای شماسه که جامعه و پیرامونتون رو بشناسین و با تکیه بر عقل و فهم و البته تجربه دیگران و مشاهده عاقبت افراد مختلف هدف زندگی و نحوه زیستنوتون رو مشخص کنین و در اون قدم بزارین .

اگر شما نتونین راه درست زندگی رو پیدا کنین تمام عمر شما تلف میشه . پس تا زمانی که فرصت دارین سعی کنین که شناختتون رو بالا ببرین و در راهی که پایان اون سعادت و نیک بختی هست قدم بزارین .

**مورد پنجم اجتماعی شدن :** دانشگاه با نهادهای و انجمن های مختلفی که داره بهترین فرصت برای اجتماعی شدن ، مسئولیت پذیری و شکوفا شدن استعدادهای شماست . اجتماعی شدن صرفاً به معنای خوب حرف زدن و همه جا حرف زدن نیست . اینکه شما بتونین عضوی از یک گروه بشین و برای هدف گروهی کار کنین و مسئولیتی رو به عهده بگیرین تمرین بزرگی برای آینده شماسه که بتونین فرد مفیدی و تاثیر گذاری در جامعه باشین .

**هرگز نسبت به مسائل اجتماعی بی تفاوت نباشین و نذارین دیگران برای شما تصمیم بگیرن .** دوران دانشجویی فرصتی طلایی برای شماست که بتونین در اجتماعی بزرگ تاثیر بگذارین و خواسته های خودتون رو مطرح کرده و تغییری ایجاد کنین . حیفه

بچه دبیرستانی بیابین و بچه دبیرستانی بروین . توی دانشگاه انجمن ها و نهادهای زیادی وجود داره که می تونین عضو بشین ولی سعی کنید بیشتر سمت اونهایی برین که هم بهشون علاقه داشته باشین و هم استعدادشون روتا بتونین عضویتی طولانی مدت و البته موثر داشته باشین نه اینکه وارد انجمنی بشین بعد از مدتی بدون دستاوردی ازش خارج بشین چرا که با اینکار فقط وقت با ارزشتون رو هدر دادین .

**مورد ششم اعتماد :** در این دوران همان طور که قبلاً هم گفتیم با افراد مختلف مواجه می شین ، افرادی که عقاید خاص خودشون رو

سلام بر دانشجویان جدیدالورود . دانشجویان عزیزی که با تلاش و درس خوندن و شکست دادن غول کنکور به این مرحله رسیدین . همیشه تازه واردها در مورد موقعیت و مکان جدیدشون تصورات و ابهامات گوناگونی دارن . از طرفی بی تجربگی ، جدید بودن فضا ، آشنایی با افراد مختلف و پیدا کردن دوست های مختلف تاثیرات مختلفی روی افراد میذاره ، بعضی اوقات مثبت و بعضی اوقات منفی . آنچه که این جا مهمه پیدا کردن راه درست و قدرت تصمیم گیری درسته و ما در این گپ دوستانه سعی کردیم آن چه که می تونه کمک کننده باشه برای درست پیش رفتن درمسیر به شما گوشزد کنیم که در این مسیر چند ساله دستاوردهای مفید داشته باشید و زندگی آیندتون رو بهتر رقم بزنید .

**مورد اول درس :** همه ما کلی درس خوندیم که تونستیم بالاخره به دانشگاه راه پیدا کنیم . اما اشتباه ما اینا اینه که فکر می کنیم رد شدن از کنکور و ورود به دانشگاه آخر راه موفقیتیه ، در صورتی که کاملاً برعکسه و این تازه شروع ماجرا و یک نقطه شروع برای درس خوندن بیشتر و تلاش بیشتره ، یادتون نره شما به دانشگاه اومدین تا درس بخونین...پس درس خوندن و گرفتن رتبه های بالا و خوب جز اولویت های مهمتون باشه .

**مورد دوم دانش جویی :** با ورود به دانشگاه لقب دانش آموز به دانش جو تغییر پیدا می کنه و این یعنی اینکه شما نباید منتظر باشین که صرفاً دیگران دانش رو در اختیار شما بذارن ، بلکه باید خودتون به دنبال دانش باشین ، پرسین ، بگردین ، دانش رو پیدا کنین ، کشف کنین ، اختراع کنین و خلاصه از حالت دانش آموز بودن خارج بشین و دانش رو جست و جو کنید تا صاحب بشین .

**مورد سوم دوست یابی :** مهم ترین مساله تاثیر گذار در زندگی انسان پیدا کردن دوست و هم نشین مناسبه چرا که کمال همنشین همیشه در انسان اثر می کنه .

توی دانشگاه افراد مختلفی پیدا میشن که دوستی با اون ها زندگی شما رو تحت تاثیر زیادی قرار میده . دوستان شما می تونن باعث پیشرفت و یا پسرفت شما بشن . پس مراقب باشین چه دوستی انتخاب می کنین . سعی کنین افرادی رو برای دوستی پیدا کنین که شما رو به خوبی ها هدایت کنن نه به زشتی ها ، سعی کنید اول افراد رو بشناسین و بعد با اون ها پیمان دوستی

## بسج دانشکده عشق است



امسال آغاز سال تحصیلی ، با ایام محرم و صفر مقارن شده است میان هویت بسج و هویت محرم و عاشورا تناسبی وجود دارد .

فداکاری ، ایثار در راه خدا ، عشق و اخلاص از خصوصیات عاشوراست . حقیقت دیگری که در عاشورا به چشم می خورد معرفت و بصیرتی است که از آغاز حرکت از مدینه شروع شده و جریانی که از ظهر عاشورا شروع و تا امروز رو به گسترش و افزایش است .

بسج جمع تمام فداکاری و حرکتی مردمی برای مردم در دل مردم ، از خود مردم ، از همه قشرها است . یک تشکل عظیم که با حضور در دفاع ، علم ، هنر ، سازندگی ، سیاست ، فرهنگ ، کمک به مستضعفان ، تولید ، فناوری ، ورزش و درخشش های بین المللی و ... حرکت می کند و بسج دانشگاه نیز از این امر مستثنا نیست در دانشگاه انجمن ها کانون ها و تشکل های مختلفی فعالیت می کنند که بسج یکی از این تشکل هاست ، تشکلی که تک بعدی نیست و هدفش ادامه آرمان ها و اهداف ارزشمند است

شاید با اسم بسج فقط یکسری مفاهیم و برنامه های صرفاً مذهبی و انقلابی در ذهن خیلی ها تداعی شود ولی واقعیت ماجرا چیز دیگریست در بسج دانشگاه فعالیت های متعددی صورت می گیرد که هر کس با هر عقیده و سلیقه ای وبه زعم خود می تواند در حیطه ای وارد شود و فعالیت کند

**حال برای این که بیشتر با برنامه های بسج آشنا شویم برنامه های آن را طی یکسال اخیر باهم مرور می کنیم :**

- برگزاری اردوی تفریحی پناه
- کوهورودی
- برگزاری مسابقات مختلف : تیراندازی ، کتابخوانی ، گویندگی ، اینفوگرافیک و ...
- برگزاری مراسمات مذهبی
- برگزاری دوره های تشکیلاتی به جهت ارتقا اعضا بسج دانشجویی
- برگزاری همایش و مطالبه گری از نمایندگان مجلس
- برگزاری کارگاه ها و همایش هایی با حضور اساتید دکتر سعید جلیلی ، دکتر حجت اله عبدالملکی ، حجت الاسلام و المسلمین راجی
- برگزاری اردوی راهیان نور جنوب و غرب کشور
- برگزاری سیر مطالعاتی زنان
- و برگزاری اردوهای جهادی در مناطق محروم استان کرمانشاه و ...

و این را بدانیم که :

بسج سیاسی است سیاست زده نیست ، سیاسی کار نیست ، جناحی نیست ؛ بسج مجاهد است ، اما بی انضباط نیست ، افراطی نیست ؛ بسج عمیقاً متدین و متعبد است ، اما متحجر نیست ، خرافی نیست ؛ بسج با بصیرت است ، اما از خودرازی نیست ؛ بسج اهل جذب است - گفته ایم جذب حداکثری - اما اهل تسامح در اصول نیست ؛ بسج غیور است ، پاسدار خطوط فاصل است ؛ بسج طرفدار علم است ، اما علم زده نیست ؛ بسج متخلق به اخلاق اسلامی است ، اما ریاکار نیست ؛ بسج در کار آباد کردن دنیاست ، اما خود اهل دنیا نیست . این شد یک فرهنگ .

راضیه توحیدیان  
ترم ۸ منابع غذایی

## در جنگ، دشمن جوان را «شهید» می کند در صلح، شما جوان را «می کشید».



مهمترین سوغاتی های او بودند، در روز ۲۶ دی ۱۳۵۶ که روز آزادی زن اعلام شد، به همراه دیگر دانشجویان، در مشهد به تظاهرات پرداخت و از حجاب اسلامی و انقلاب به رهبری امام خمینی (ره) حمایت کرد. در نتیجه ماموران رژیم آن ها را دستگیر کردند اما بعد با پیام آیت الله شیرازی آزاد شدند.

او کمک به مردم را اصلی ترین وظیفه و رسالت خود می دانست و معتقد بود باید تا آخرین قطره خون در مقابل ظلم و ظالم ایستاد و نگذاشت که ذره ای از اهداف عالیه اسلام دور شود.

وی در تظاهرات ۱۷ دی ۱۳۵۷ در کنگاور شرکت کرد و به دست ماموران رژیم به شهادت رسید.

در حادثه ی زلزله ی طیس در گروه امداد امام به طیس رفت و به مدت یک ماه مشغول خدمت به تیمیان بود. او علاقه زیادی به عکاسی داشت و در زلزله ی طیس برای نشان دادن محرومیت و فشار طبقه مستضعف

طیس و شناساندن ماهیت ظالمانه و تبعیض آمیز رژیم پهلوی عکس هایی را گرفته بود. او زمانی که به کنگاور بازگشت با همان عکس ها قصد برپایی نمایشگاهی را داشت اما تقدیر چنین بود که این نمایشگاه توسط وی هرگز برپا نشود. البته دوستان طیبیه صبح روز بعد از شهادتش نمایشگاه را برپا کردند و این بار عکس خود شهید طیبیه السادات بود که بر سردر نمایشگاه خودنمایی می کرد

از او به عنوان اولین زن شهید انقلاب کرمانشاه یاد می شود

«طیبیه ها رفتند تا انقلاب و اسلام زنده بماند و این وظیفه همه جوان های ماست که ادامه دهند راهش باشند».

سمیه زین الدینی  
ترم ۵ رادیولوژی

دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه به عنوان یک دستگاه عریض و طویل اداری دارای حدود ۱۵ هزار کارمند و ۵ هزار دانشجو می باشد، از سال ۹۰ که به این مجموعه اضافه شد و سابقه کارهای تشکلی دانشجویی و بعدش کارمندی در جاهای مختلف را داشته ام، یکی از دغدغه هایی که همیشه ذهن بنده را به خودش مشغول کرده است، استفاده از جوانان مومن و متخصص در رده های مدیریتی این دانشگاه بوده است.

با خودم فکر کردم شاید این دغدغه فکری را از جایگاه بسج دانشجویی که به واسطه دانشجو بودن آزادی عمل خاصی دارد، دنبال کنم بهتر است و در دو جلسه مهم فرهنگی با حضور مسئولان ارشد دانشگاه مطرح کردم، اما چنان سرکوب و یاکوتی شدم که فکر کردم نمودبالله شاید حرفی خارج از دین میزنم و دارم به سمت ارتداد می روم.

یکی گفت جوان کجا بود، همه لالابالی شده اند. (البته خودش ۳۰ سالگی مدیر شده بود و الان ۳۲ سال خدمت بود!)

آن دیگری گفت یک بار جوانی را گذاشتیم، فاسد از آب درآمد! (خودش ۲۸ سال خدمت بود و از اساتید تملق و چاپلوسی است در این دستگاه).

یکی دیگر گفت بهداشت جهانی گفته تا ۶۰ سالگی جوان به حساب می آید و حاضر با همه شما جوانان کشتی بگیرم بینم کی آماده است!! (همین استدلال سطح پایین از حضرت ایشان، برای معرفی اش کافیت).

یکی از بلندپایه ها گفت خود من سی سالگی رئیس بیمارستان شده ام، اما من استننا بودم!!! (صد الله اکبر از این استننا که وضعمان این است).

خلاصه حرف آخر هم یکی از بانوان مکرمه، فرمودند که: بیکاری و دنبال حاشیه برای خودت هستی، حقوق و اضافه کارت را بگیر و برو.....

اما من از این وضع دانشگاه فهمیدم که مطالبه گری با یک دست و یک صدا جواب نمی دهد باید به یک نهضت عمومی تبدیل شود، و همه دانشجویان انقلابی و کارمندان و مدیران جهادی یقه مسئولان دانشگاه را بگیرند و از آنها بخواهند تا شاید به نتیجه برسیم، که آن شاءالله می رسم.

در بیانیه گام دوم رهبری هم صراحتا تاکید شده است که جوانان به میدان بیایند و در مدیریت های مختلف شانه به زیر بار مشکلات مملکت بدهند.

مسئولان محترم دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه هم وظایف قانونی و شرعی خود و هم به فرمایش مقام معظم رهبری و هم به مطالبه دانشجویان و کارمندان و مدیران توجه کنند، که اگر این کار را نکنند قطعا در آینده از آنها به نیکی یاد نخواهد شد.

پی نوشت:

تحقیقات اولیه نشان می دهد در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه با ۱۵ هزار کارمند و ۵ هزار دانشجو کمتر از ۵ درصد از کرسی مدیریت ها به جوانان اختصاص یافته است

اما برای بعد:

می خواهیم بدانیم چند نفر از مدیران دانشگاه فرزندانشان در خارج از کشور تحصیل می کنند و اکثر تعطیلات و بحران ها را کنار ما نیستند.....به زودی ان شاءالله.

مهرداد مرادی

## مهندس مجاهد

شهید طیبیه سادات زمانی در ۱۹ آبان ۱۳۳۴ در خانواده ای کم درآمد و روحانی در روستای «گودین» از توابع شهرستان گنگاور استان کرمانشاه دیده به جهان گشود.

در سنین کودکی نزد پدرش قرآن را آموخت، علاقه ی فراوانی به مطالعه داشت و در کنار کتاب های درسی، کتاب های دیگر را نیز مطالعه می کرد.

او در دبیرستان منادی حجاب بود و در راه دفاع از حجاب و ارزش های اسلامی بسیار تلاش کرد

در دانشگاه فردوسی مشهد در رشته ی مهندسی شیمی پذیرفته شد و در دانشگاه هم به فعالیت های سیاسی و مذهبی خود ادامه داد. این شهید سرافراز در کنار فعالیت های مذهبی و سیاسی، به کارهای هنری از جمله قالی بافی، خیاطی، گلدوزی و بافندگی می پرداخت و در عکاسی و امدادگری نیز مهارت داشت.

هر بار که از مشهد به کنگاور برمی گشت، با کوله باری از پیام و رسالت خون شهدا می آمد. اعلامیه های امام از

دارن و حرفای مختلفی می زنن، وظیفه شما در برخورد با این افراد مختلف اعتماد نکردن... شما نباید هر حرفی رو چه اجتماعی چه سیاسی چه روانشناختی و... که دوستان و اطرافیان شما میزنن باور کنین و به آنها اعتماد کنین. شما به عنوان یک دانشجو باید فکری پویا و باز داشته باشین هیچ حرفی رو بدون پرس و جو، مطالعه و تحقیق قبول نکنین. همچنین در مورد اشخاص اطرافتون تا زمانی که سلامت و درستی آنها برای شما ثابت نشده اون ها رو محرم اسرارتون قرار ندین و با اون ها همسو نشین. شما باید شروع کنین به باز کردن چشم هاتون و دیدن حقایق و این مهم ملزم اینه که به راحتی اعتماد نکنین نه به حرف ها و نه به افراد.

مورد هفتم نه گفتن: نه گفتن به بعضی از پیشنهادهای که تنها نشانه ترس نیست بلکه شجاعت بسیاری می خواد. همیشه هم لازم نیست

همرنگ جماعت شد بلکه بعضی مواقع باید خلاف جمع بود تا سلامت موند... چه از نظر

اخلاقی و چه از نظر جسمی.... نذارین ترس هایی مانند از دست دادن دوستان یا تحقیق شما رو وادار به کاری کنه که از نظر عرفی، اخلاقی و یا شرعی از آن منع شدین و عقل شما اون رو رد می کنه اتفاقا نه گفتن در چنین مواردی نه تنها شما رو کوچک نمی کنه بلکه شما رو به عنوان شخصیتی محکم و با اراده معرفی می کنه.

مورد هشتم زندگی خوابگاهی: این مورد مخصوص دانشجویهاییه که قراره تو خوابگاه زندگی کنن. خوابگاه به مکان عمومی و حریم خصوصی شما در اون جا به حداقل ممکن می رسه مخصوصا اینکه اتاق های خوابگاه به جز تعداد کمی چند نفره هستن، سعی کنید توی خوابگاه جوری زندگی

کنین دیگران از دستتون آزرده نشن چون در این صورت پذیرش شما از طرف هم اتاقیون کم می شه و این بیشتر از همه به خود شما لطمه میزنه، موارد بهداشت فردی و اجتماعی رو شدید رعایت کنین، اخلاق خوب داشته باشین و تندخویی رو کنار بذارین، با هم اتاقی ها و هم خوابگاهی هاتون محترمانه رفتار کنین، هرگز به وسایل شخصی

دیگران دست نزنین (مگر با اجازه خودتون)، سعی کنین بخشنده باشین و از بسیاری از مشکلات چشم پوشی کنین، درسته توخونه شاید تا الان حتی خیلی از وظایف شخصیتونو هم مادرتون انجام داده باشه

به خاطر درگیری های درسی ولی باورورده خوابگاه باید مسئولیت پذیرباشید و وظایفی که مربوط به شماستش روبه خوبی انجام بدید که درروند زندگی شما مشکلی پیش نیاد و در آخر قوانین خوابگاه

رو جدی بگیرین و مطابق با اون ها رفتار کنین. و به این نکته دقت کنین که چیزی که از شما توی خوابگاه به یادگار می مونه اخلاق و نحوه رفتار شماست.

در پایان بدونین این مدت زمان بزودی سپری می شه و تنها چیزی که میمونه دستاوردهای شما در این دوره، پس سعی کنین در کوله بار تجربه خودتون نامه عمل درخشان داشته باشین که مایه افتخار و رو سفیدی شما باشه و همچنین سعی

کنین تصویری که از شما در ذهن ها باقی می مونه تصویر یک انسان شریف و محترم باشه.

رضوان کلاویانی

بسج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه  
ماهنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی میناق قلم

صاحب امتیاز: بسج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

مدیر مسئول: مهرداد مرادی

سرمدین: سارا زارعی

طراحی و گرافیک: سارا زارعی

هیأت تحریریه: رضوان کلاویانی، شبوارضایی

سمیه زین الدینی، نون ها نون، راضیه

توحیدیان، مهردادمرادی، اشکان مهدوی مقدم

پایگاه اطلاع رسانی بسج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی  
پایگاه اطلاع رسانی نشریه میناق قلم  
صفحه اینستاگرامی بسج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی  
پل ارتباطی نشریه و دانشجویان